

وقف آب و مدرسه و باغ

موضوع: وقفان و خیران
موقعیت: محله اودلاجان

از قدیم الایام در تهران قنات‌ها و آب‌انبارها نقش مهمی برای شهروندان داشتند. محله اودلاجان ۳ قنات معروف داشت به نام‌های قنات شاه، قنات حاج علی‌رضا و قنات مهرگرد. خانه‌های اودلاجان اکثراً صاحب آب‌انبار بودند اما آب‌انبارهای عمومی نیز وجود داشتند که توسط خیران ساخته شده بودند. آب‌انبار میرزا محمود در پامنار کوچه حاجی‌ها، آب‌انبار امامزاده یحیی، آب‌انبار نواب در بازارچه نواب، آب‌انبار تکیه باغ پسته‌یک، آب‌انبار رضاقلی خان و آب‌انبار خشتی واقع در کوچه سادات اخوی بخشی از آب‌انبارهای وقفی محله بودند. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، درباره موقوفات محله اودلاجان می‌گوید: «مؤسسه خیریه کوثر از مهم‌ترین خیریه‌های محله اودلاجان است که از سال‌ها قبل توسط کاسبان و اهالی محل در شبستان مسجد آغا بهرام تأسیس شد. همچنین صندوق ذخیره امید در سال ۱۳۵۴ که بنای این صندوق بعد از مراسم ختم مادر همسر امام خمینی (ره) گذاشته شد. از مؤسسان این صندوق آیت‌الله شاه‌آبادی، حاج محمود هاشمیان، علی کاظمی و... بودند.»



رحیم طوبایی، از معتمدان محله اودلاجان، درباره واقفان و خیران این محله چنین توضیح می‌دهد: «یکی از بزرگ‌ترین موقوفه‌های محله اودلاجان «مسجد، مدرسه، حمام و تکیه رضاقلی خان» است که واقف آن میرزا رضاقلی خان نوابی منشی الممالک بوده است. تولیت آنها بعد از مرگ وی به خانواده‌اش و بعد از آن در زمان مشروطه به آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی رسید.»

همچنین «مسجد، مدرسه، حمام و بازارچه کاظمی» که بانی و واقف آن میرزا سید کاظم مستوفی است از موقوفه‌های مهم محله محسوب می‌شود. از ابنیه وقفی دیگر در اودلاجان از «مسجد، تکیه و آب‌انبار سرپولک» می‌توان نام برد که بانی آن سیداسماعیل بهبهانی بود. در اودلاجان حمام‌های عمومی، گذرها، سقاخانه‌ها، تکایا، حسینیه‌ها، کتابخانه و باغ‌های وقفی نیز وجود دارد.



موضوع: تکیه حیاط شاهی

موقعیت: کوچه حیاط شاهی در محله اودلاجان



«سندی که از تکیه حیاط شاهی یافت شده است نشان از رونق تعزیه در این تکیه دارد. به خصوص در دوران قاجار تعزیه خوانی‌های بی‌شماری آنجا اجرا می‌شد. این سند گزارش هزینه‌های برگزاری تعزیه در تکیه حیاط شاهی را در محرم و صفر سال ۱۳۲۰ قمری نشان می‌دهد. براساس این سند، این تکیه موقوفاتی داشته که برای تأمین برگزاری تعزیه هم بوده است. متولی این موقوفه و تکیه مزبور، آقا سیدمحمد تقی است که عبارت «شریعت‌مآب» به‌دنبال اسم او نشان می‌دهد روحانی بوده است. او هزینه‌ها را داده و سپس سند را برای گرفتن شهادت شماری از رؤسای محل تنظیم کرده تا بتواند این هزینه را از درآمد موقوفه تکیه بردارد.»

مسجد میرزا محمدخان و تعزیه‌گردانی شاهزاده قاجار

به دلیل حضور شاهزاده قجری میزبان اشراف بود. عبدالله مستوفی در این باره می‌نویسد: «شاهزاده حاجی بهاء‌الدوله، پسر بهمن میرزا و نوه فتحعلی شاه، در دهه آخر صفر در محله اودلاجان (تکیه حیاط شاهی) تعزیه می‌خواند و چون شاهزاده مردی محترم و شخصاً هم آدم خوب مردم‌داری بود، تمام اعیان و اشراف و شاهزادگان به تعزیه او می‌آمدند.» رحیم طوبایی، از معتمدین محله اودلاجان می‌گوید: «در مقطعی از دوره پهلوی دوم، این تکیه رو به فراموشی رفت. در همین دوره برای مدتی هم مدرسه پیشاهنگی در این محل راه‌اندازی شد اما این مدرسه هم بعد از چند سال فعالیت بسته شد. دیگر بنای قدیمی این تکیه وجود ندارد، ولی محل مربوطه در اختیار آموزش و پرورش است.» طوبایی می‌گوید:

تکیه حیاط شاهی شکوه و عظمت تکیه دولت را نداشت ولی شاهزاده‌ها و درباریان حضور پررنگی در آنجا داشتند.

تکیه حیاط شاهی در شمال مسجد میرزا محمدخان سپهسالار بود. این محله در زمان آقامحمدخان قاجار و از سوی همراهان او که از استرآباد به تهران آمده بودند، شکل گرفت و هنوز هم به نام «کوچه حیاط شاهی» معروف است.»

باروی کار آمدن قاجاریه آقامحمدخان تکیه حیاط شاهی را سروسامان داد. البته بسیاری معتقدند این تکیه قبل از او نیز پای‌جا بوده است. باین حال از دوران آقامحمدخان قاجار بیشتر مراسم مذهبی دولتی از جمله تعزیه خوانی در این تکیه انجام می‌شد. تکیه حیاط شاهی تکیه گران قیمت و مجللی نبود ولی

مکتب‌خانه مجانی روزهای دور

مخدرات اسلامی، ابتدایی عفت، حرم‌تیه سادات، عفتیه، وطن و مکتب‌البنات هم برخی از ۱۲ باب مدارس دخترانه محله اودلاجان بودند. در مکتب‌خانه‌ها اگر کودکان در مکتب ملاجی‌ها حروف الفبا را یاد نگرفته بودند، درس با آموزش الفبا شروع می‌شد.

شیوه آموزش معلمان در اکثر مکتب‌خانه‌ها یکسان بود اما با توجه به ویژگی‌های آموزشی هر مکتب‌داری، مختصر تفاوت‌هایی داشت. تعلیمات اولیه برای اطفال یاد دادن حروف عربی و حرکات و تلفظ صحیح آنها، به‌منظور خواندن قرآن مجید بود. بعد از مدتی که این تعلیم با موفقیت به پایان می‌رسید، قرآن را قرائت می‌کردند. ولی کسانی که به ادامه تحصیل می‌پرداختند، خوشنویسی یاد می‌گرفتند و به موازات آن خواندن کتاب‌های فارسی مثل گلستان سعدی، تنبیه‌الغافلین، اخلاق ناصری، نصاب الصبیان، قابوسنامه و نظایر آنها نیز به شاگردان تعلیم داده می‌شد و طریقه نگارش نامه از روی منشآت نویسندگان نامی سابق، مثل قائم‌مقام و... را آموزش می‌دادند. در مکتب‌خانه‌ها کلاس‌بندی وجود نداشت؛ تفاوت شاگردان فقط از سن و کتاب‌شان معلوم می‌شد. در مکتب‌خانه‌ها یکی از روش‌های معمول تحصیل حفظ کردن بود.



موضوع: مکتب‌خانه‌ها و مدارس اودلاجان

موقعیت: اودلاجان

در محله اودلاجان هم مکتب‌خانه‌های فعال بود که به «مکتب‌خانه مجانی» شهرت داشت.

در واقع مکتب‌خانه دکان با اتاق بزرگی در کوچه یا خانه‌ای بود که مکتب‌دارهای مرد یا ملاباجی‌های زن، آن را اداره می‌کردند و به تعلیم و تربیت کودکان می‌پرداختند. فرش حصیر یا نم‌یال گلی می‌نمید، میز کوتاه و تشکچه مکتب‌دار، چند ترکه آلبالو یا عناب روی زمین یا کنار میز و چوب‌فلک همه داشته‌های مکتب‌خانه بود. عبدالغفار از یک مکتب‌خانه مجانی یاد کرده است که جای آن در جنوب محله اودلاجان، شرق کوچه کلیمی‌ها، میدان سرجنبک کوچک بود.

خانواده‌ها اغلب در مکتب‌خانه در قبال آموزش به فرزندانشان به ملا یا باجی هزینه یا اجناسی را پرداخت می‌کردند، اما در مکتب‌خانه اودلاجان همه آموزش‌ها رایگان بود. از سوی دیگر در کنار مدارس و حوزه‌های قدیمی محله اودلاجان مانند مدرسه‌های پامنار، دانگی، سعدالملک، مروی، مستوفی نظام، میرزاصالح و نیایک، بر پایه آمار سال ۱۲۹۵، حدود ۲۲ باب مدرسه دخترانه و پسرانه وجود داشت که ۱۰ باب آن مانند مدارس ادب، اقدسیه، ترقی، رشدیه، بصیرت، انتصاریه و ابتداییه از جمله مدارس پسرانه و حشم‌تیه دوشیزگان، نصر تیه فرهنگ،

